

زهرا معینی / شعب باری

عوامل سیاسی انسجام بخش در موسم حج

چکیده

فرايض و عبادات، افزون بر تأثیرگذاری خود در جنبه‌های تربیتی فردی، در دگرگونی روحی، فکری، اخلاقی و رفتاری جامعه نیز نقش خود را دارند و به نوعی، با مسائل اجتماعی و حقوق جمعی در ارتباطند. اما حج در این میان، از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است؛ زیرا حضور در جمع و روابط اجتماعی را نمی‌توان از جوهره حج جدا کرد. فضای حج، زمان، مکان و سایر ضرورت‌های این فریضه بین‌المللی اسلامی، زمینه تحقق این ارتباط بوده و ابعاد سیاسی آن انسجام بخش است.

بنابراین، روح جمعی در تار و پود حج تعبیه شده و از آن جدایی‌ناپذیر است. از این رو، حج به‌عنوان پرشکوه‌ترین تجلی قدرت جهانی اسلام، برای همه عصرها و نسل‌ها مناسب‌ترین مجال است که افراد و گروه‌ها و ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در قالب امت واحده (جامعه منسجم و متحد)، با پیروی از پیشوایان دین و نیز اجتناب از اندیشه و کنش برخاسته از فرهنگ کفر، به همدلی و همیاری، تعهد، برپایی عدالت و برابری، تأمین امنیت و متحد کردن صفوف خود

در برابر دشمنان و تشکیل جبهه مستضعفان در برابر مستکبران، پشتیبانی از مظلوم و مبارزه با متجاوز و نیز با سیطره فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی بیگانه، بپردازند. این مسؤلیتی است بر دوش عالمان و فقیهان دین، اندیشمندان و دانشمندان مسلمان و به خصوص دولت‌های اسلامی، نمایندگان آنها و همه حج گزاران که هر یک در توان خویش بدین مسؤلیت قیام کنند.

واژگان کلیدی: عناصر سیاسی انسجام بخش، امت واحده، پیروی از رهبران واحد، برائت از فرهنگ شرک.

۱. مقدمه

از میان تمام عبادات و احکام، حج دارای ویژگی خاصی بوده و از مزایای تمام عبادات برخوردار است؛ هر چه میزان آگاهی یک فرد نسبت به حج بیشتر باشد، بهره‌گیری‌اش از آن مضاعف می‌گردد. پدیده توحیدی حج سبب می‌شود تا مسلمانان بدون در نظر داشتن وابستگی‌های نژادی، ملی، قومی و... همگی یک صدا فریاد یکتا پرستی سر داده و به مردم جهان و به ویژه صاحبان قدرت استثماری اعلام نمایند که هیچ قدرت و نیرویی بالاتر از خدا نیست. به علاوه آن‌که، آثار اجتماعی جهانشمول، در تشریح این فریضه بزرگ لحاظ گردیده و جز از رهگذر این میقات عظیم قابل دسترسی نیست. حج هم‌آهنگ و در تداوم فلسفه برپایی نماز جماعت، نماز جمعه و نماز عید است و نیز فراگیرترین عامل جهت جلوگیری از پراکندگی مسلمین از هر جامعه و کشور است. بدینسان، حج به عنوان یکی از ارکان عملی اسلام، در بنیان وحدت جامعه اسلامی و حرکت آن، جایگاه اساسی دارد، به ویژه آن‌که مسلمانان همگی حج را به عنوان یک فریضه اسلامی، تا روز قیامت می‌شناسند و هر روز با عظمت‌تر از گذشته در برگزاری آن می‌کوشند.

حج، نه تنها یک عبادت محض و خودسازی بدون توجه به جامعه‌سازی نیست بلکه در عین ارتقای مسائل اخلاقی، مؤثرترین وسیله برای پیشبرد اهداف سیاسی نیز هست. اختلاط عبادت، سیاست، اقتصاد و... در حج موجب شده است که در روایات، از کعبه به عنوان «عامل ثبات بخش دین بر روی زمین» یاد شود.^۱

۲. ابعاد سیاسی حج

حج در مفهوم بین‌المللی خود، از دو دسته منافع کارکردی برخوردار است؛ یک دسته مربوط است به آثار و نتایج تربیتی و خودسازی که به معنای هماهنگی فرد با خداوند و همنوایی او با فطرت است. دسته دیگر به هماهنگی با واحدها و گروه‌های اجتماعی و سیاسی اسلامی دیگر مرتبط است که به صورت ملت‌ها و دولت‌ها در آمده و از نژادهای مختلف و دارای زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون می‌باشند. برنامه «تربیتی و خودسازی»، مقدمه‌ای است برای دسته دوم؛ یعنی ایجاد احساس یگانگی در جامعه بزرگ اسلامی.

مقاله حاضر تمرکز خود را به دسته دوم (آثار و نتایج تربیتی حج) معطوف نموده است. از منظر حقوقی، می‌توان این دسته از برنامه‌های اسلامی را یک سلسله وظایف حزبی دانست و آن را حقوق حزبی خواند؛ زیرا زیربنای فکری اسلام در گرایش به این دین، به نوعی تحزب و تشکل سیاسی مبتنی است و مسلمانان همگی، اعضای «حزب الله» اند و فردیت و انزوا در نظر اسلام، به کلی مردود و ممنوع است.^۱

طبق آموزه‌های اسلامی، رهبانیت و عزلت‌گزینی عملی مذموم شمرده شده و حج به جای آن آمده است؛ عبادتی که ارتباطی وثیق با سیاست، از دو جهت دارد:

۱. در حج، به جای اعراض از دنیا، تسلیم به حق و همسویی عملی با پیشوای دینی و عبودیت می‌آموزیم و انسان با تزکیه و تربیت یافتن، مستعد برپا داشتن قانون حق و عدل می‌گردد.
 ۲. حضرت ابراهیم علیه السلام با قطع تمام گرایش‌ها و قرار دادن آن‌ها در سایه گرایش به خدا، به امامت رسید. او تکالیف دشواری را انجام داد؛ ابراهیم در سرزمین مکه ابتدا حج گزارد و بعد خانه کعبه را بازسازی کرد و وقتی فرزند خود را به قربان‌گاه برد، شیطان را شکست داد. اینجا بود که خداوند به ابراهیم مقام امامت (پیشوایی و رهبری) را عطا نمود. سال‌ها پس از این رویداد، امام حسین علیه السلام به عنوان رهبر الهی بر مردم، با رها نمودن مراسم حج (تبدیل نمودن حج تمتع به عمره مفرده) و تغییر مسیر به سمت کربلا و تحمل رنج‌های بسیار، مخالفت خود را با دشمنان دین و برائت جستن از اعمال آن‌ها به شکل آشکاری نمایان ساخت. بنابراین، حج از هر دو جنبه یاد شده، مسلمانان را مستعد وحدت و پیروی از مسیر توحید می‌سازد.^۲
- جنبه نخست نفی امتیازات و انحصارات با پیروی از دستورات و وحدت بخش امامت واحد و با تأکید بر جایگاه حکومت اسلامی در حج و دیگری برائت از دشمنان در حج است. در اینجا به بیان مباحث نظری با تأکید بر ابعاد سیاسی حج خواهیم پرداخت.

۳. مباحث نظری

۳/۱ - نفی امتیازات

اسلام با نفی برنامه‌ها و مناسک حج جاهلی، محتوای توحیدی حج را بر قالب مناسک حج بازگرداند و هرگونه تبعیض و امتیازطلبی در مراسم حج را لغو کرد و حتی اختلافات ظاهری را نیز برچید و به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که همه با یک شکل و لباس و با یک نوع عمل و همسو و همسان، در یک فرم و مطیع در برابر خدا به انجام مناسک پردازند.

شیوه‌ای که اسلام برای حج‌گزاری وضع کرد، شیوه مورد نظر طبقات اجتماعی بالا و حتی متوسط نیست بلکه شیوه طبقات فرودست است که تضعیف و تحقیر شده‌اند؛ اما اکنون همه، این شیوه را در برابر خدا اتخاذ کرده‌اند تا ضمن خارج شدن از امتیازطلبی و روح تبعیض، با مشکلات طبقه پایین جامعه آشنا شوند؛ سادگی جامه احرام و محو هویت‌های شخصی در این همایش، خط بطلانی است بر تفکر نظام سرمایه‌داری که از نشانه‌های آن تجمل و مصرف‌گرایی است.

حج، ابزاری به دست می‌دهد برای شکستن سانسورها و از بین بردن خفقان‌های نظام‌های استثمارگری که در کشورهای اسلامی حاکم‌اند.

حج، بستری است برای انتقال اخبار سیاسی کشورهای اسلامی از هر نقطه به نقطه دیگر و بالأخره حج عامل مؤثری است برای از بین بردن سلطه استعمار و آزاد ساختن مسلمانان. به همین دلیل در آن ایام که حاکمانی جبار، همچون بنی‌امیه و بنی‌عباس بر سرزمین‌های اسلامی حکومت می‌کردند و هرگونه تماس میان قشرهای مسلمان را زیر نظر می‌گرفتند تا هر حرکت آزادی بخش را سرکوب کنند، فرارسیدن موسم حج در چپ‌ای بود به سوی آزادی و تماس قشرهای جامعه بزرگ اسلامی با یکدیگر و طرح مسائل مختلف سیاسی.

در حج، حاکمیت یافتن ارزش برابری، هر نوع انحصارطلبی را منتفی ساخته است و به کسی اجازه نمی‌دهد که خانه خدا و خصایص منحصر به فرد آن را به خود اختصاص دهد و آن را وسیله انتقال آگاهی‌های کاذب و بهره برداری از احساسات دینی افرادی قرار دهد که انجام مناسک حج را بر خود وظیفه می‌دانند. هیچ گروهی به عنوان سرپرست مسجد الحرام، نمی‌تواند این محل اجتماع مردم را در انحصار خویش درآورد و اهداف و منافع هیچ فرد و یا گروهی نمی‌تواند تعیین کننده شیوه برگزاری حج و بهره‌گیری از ثمرات آن باشد. از سوی

دیگر، حج گرچه در کنار اسرار و آثار معنوی، یک سلسله منافع سیاسی و اقتصادی در جهت بهبود شرایط و وضعیت عمومی مسلمانان جهان دربردارد، اما هرگز بر محور منافع مادی و اقتصادی استوار نیست و با هیچ مصلحت مادی و انتفاعی نمی‌توان مراسم و مناسک حج را از آنچه که خدا فرمان داده و پیامبران؛ از حضرت آدم تا حضرت رسول: انجام داده‌اند تغییر داد و حج را در مصلحت فرد و یا گروهی خاص به کار گرفت. بنابراین، اشتراک منافع و اهداف در میان مسلمانان وحدت‌آفرین است.

۳/۲ دستورات وحدت بخش

هیچ قدرتی نمی‌تواند برای رسیدن به منافع شخصی یا گروهی، تغییری در حج ایجاد کند؛ جز آنچه که خداوند برای حفظ منافع اسلام و مسلمانان بدان تأکید کرده است. بدین منظور دستوراتی نیز دارد تا این منافع حفظ شود که از جمله آن‌ها تقیه است. تقیه به منظور جلوگیری از پراکندگی قدرت مسلمین و ایجاد وحدت و یکپارچگی کامل میان تمام گروه‌های آنان در برابر قدرت‌های استثمارگری جهان و سلطه‌گری‌های ضد انسانی و اسلامی، مشروعیت یافته است.

۳/۲/۱ تقیه مداراتی

هدف از این نوع تقیه، تعامل مسالمت‌آمیز و مدارا و در نتیجه تحقق وحدت میان مسلمانان است و این از سویی با شرکت یکپارچه در شعائر حج، نماز جماعت و سایر نمودهای وحدت تحقق می‌یابد و از سوی دیگر می‌بایست پیروان مذاهب مختلف مورد سرزنش و تحقیر قرار نگیرند و با الزام به شرکت در اجتماعات گوناگون، خود را از توده مسلمانان جدا نکرده، رفع هر گونه اتهام نمایند تا دچار مخاطره نگردند. این قسم از تقیه مورد تأکید رهبران دینی قرار گرفته و پیروان خویش را به رعایت آن تشویق و ترغیب کرده‌اند.

۳/۲/۲ تقیه کتمانی

نوع دوم از تقیه به معنای کتمان و پنهان است، نقطه مقابل افشا و روشنگری. هدف اصلی از این نوع تقیه، حفظ مذهب شیعه در برابر حکومت‌های مستبد است؛ یعنی هر گاه پیروان این مذهب تحت سیطره و قدرت حکومت ضد شیعه قرار گیرند و از آنجا که این حکومت‌ها قدرت خویش را با شیوه‌های گوناگون، در جهت مبارزه با تشیع صرف می‌کنند، حفاظت از مسلمانان بسته به پنهان نمودن مذهب است و بکارگیری چنین راهکاری برای شیعیان ضروری است.^۴

۳/۲/۳ دوری از مجادله

از دیگر دستورات وحدت بخش در حج، دوری از مجادله است. جدال باعث نابودی انسجام مسلمین و ابهت ناشی از آن می‌شود. شکوه و عظمت حج و جنبه وحدت بخش اجتماعی آن، از دید دیگران نیز پوشیده نمانده است. دائرة المعارف بریتانیا می‌نویسد:

«حج همه ساله دو میلیون تن مسلمان را به حضور در این مراسم فرا می‌خواند. این عبادت، نقش نیرومند وحدت بخشی را در اسلام ایفا می‌کند و مسلمانان را از نژادها و ملیت‌های مختلف به اجتماع در این همایش دینی جلب می‌نماید.»^۹

۳/۳ تأکید بر جایگاه حکومت اسلامی

حج، چنان که بیان شد، نمایشگر اصول استوار دین و تجسم عقاید و معارف سه گانه آن؛ یعنی توحید، نبوت و معاد است. حکومت اسلامی یکی از مهم‌ترین مظاهر اسلام است. جامعه‌ای که در آن فرمان خداوند امور گوناگون را سازماندهی نکند، جامعه توحیدی نیست. برنامه عبادی حج جهت حفظ یکپارچگی مسلمین و ماندگاری خود و تداوم پیام‌هایش، به معرفی جایگاه حکومت اسلامی (تحت امر امام) می‌پردازد. برای اثبات این ادعا شواهدی وجود دارد که در اینجا بدان‌ها اشاره می‌شود:

به گفته روایات، اگر در سفر سه تن بودید، یک فرد را امیر خود گردانید؛ از این رو اسلام مردم را در دو موسم حج به حال خود وانمی‌گذارد و بر این گروه بی‌شمار، فرمانروایی تعیین می‌کند که آن‌ها را با تمایلات متنوع فردی، گروهی، قومی و نژادی رها نسازد. باید برای این اجتماع عظیم، پیشوایی واحد باشد تا شیوه نگرش و کنش آن‌ها در معاملات، برخورد اندیشه‌ها، معاملات، خاتمه بخشیدن به اختلافات، چگونگی معشیت و نیز روابطشان با سایر ملل را جهت دهی نموده و در موقع ضرورت مصلحت اندیشی کند.^۶

این اجتماع همه ساله تکرار می‌شود و با تاریخ زندگی مسلمین تا قیامت پیوند خورده است. آرمان‌های مطرح شده در حج ماندگار است و در واقع تمرینی برای تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام است؛ زیرا اساساً دو نوع حج وجود دارد: یکی حج معمولی و دیگری حج اکبر. حج معمولی آن است که هر سال جمع زیادی از مسلمین موسم حج را بجا می‌آورند. اما حج اکبر در حدیثی از امام صادق علیه السلام، ظهور امام زمان معرفی شده است. در حج معمولی مردم باید تمرین کنند تا در حج اکبر بدانند نسبت به خانه کعبه اصلی؛ یعنی امام، چگونه رفتار کنند.^۷

آغاز شکل‌گیری حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از کنار کعبه است و پیام‌های توحیدی ایشان از آنجا به سراسر دنیا ابلاغ می‌گردد.

محور اصلی که موجب می‌شود یک سرزمین، دارای امنیت، اقتصاد سالم و آزادی‌های مورد نیاز شود، حکومتی است که تحت مدیریت آموزه‌های و حیاتی و نیز یک سیاستمدار دیندار مدیر، مدبر و آگاه با تدوین قانون بر اساس رهنمودهای آسمانی تشکیل شده باشد.^۸ از این روست که اگر در زمانی مردم نخواستند و یا مقدورشان نبود به مکه روند، بر رهبر مسلمانان واجب است که برخی را با هزینه بیت‌المال به حج بفرستد و عده‌ای را که توان مالی دارند و به حج نمی‌روند، به سفر حج وادار نماید. این همان حکومت اسلامی است که زمامداری عادل بر آن فرمان می‌راند و بیت‌المال مسلمانان به دست اوست و پایه‌های اسلام و حکومت بر خاسته از آن، با حج تثبیت می‌شود. زیارت پیامبر به منزله تجدید پیمان برای تحکیم بنیان حکومت اسلامی است.

همچنین می‌توان به بیان امام باقر علیه السلام اشاره کرد که فرمودند: «به مردم فرمان داده شده است تا نزد این سنگ‌ها آمده، به گرد آن‌ها طواف کنند و سپس نزد ما آیند و از ولایت خویش ما را آگاه سازند و یاری خویش را بر ما عرضه دارند.» معلوم است که اگر حکومت و ولایت به معنای سیاسی مورد نظر نباشد، به آگاه‌سازی امام از پیروی و اظهار همبستگی و همکاری با او نیازی نیست.

در دعا‌های ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام هنگام ساختن کعبه آمده است: «پروردگارا! در میان نسل ما، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا...»؛ نتیجه این درخواست آن است که موحدان از نقاط مختلف جهان و در همه اعصار به حج فرا خوانده شدند. پس باید کسی باشد تا امور آنان را سامان دهد. افزون بر مناسک عبادی حج، آنان باید اصول و احکام دیگری در خصوص امور سیاسی خود داشته باشند. این وظیفه حکومت اسلامی است که برای نظم امور حج‌گزاران و سیاست و راهنمایی آنان اقدام کند. بر همین اساس، امام علی در زمان خلافت خود فرماندار مکه را به اقامه حج امر نمود. نکته‌ای که از این فرمان برداشت می‌شود آن است که در طی ۲۵ سال پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه حج ابراهیمی اقامه نشد.^۹ پس از پایان مراسم حج سال دهم هجری و در زمانی که همه مسلمانان مکه را به قصد وطن ترک کردند و کاروان‌ها به نزدیک برکه آبی به نام «غدیر خم» رسیدند، پیک وحی فرود آمد و به پیامبر فرمان توقف داد، خداوند به حضرت رسول صلی الله علیه و آله چنین فرمان داد: «ای

پیامبر، آنچه از پروردگارت بر تو نازل گردید، به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت خدای را به جا نیاورده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می‌کند.»

۳/۴ برائت از مشرکان

برائت، تعبیری برآمده از قرآن است، به مفهوم بیزاری و اجتناب از مشرکان و دشمنان مسلمانان و نیز قطع پیوند با آن‌ها. در قرآن، گذشته از نکوهش و مذمت شرک و مشرکان، بر ضرورت گسستن پیوند از مشرکان و توصیه جدی به مقابله با آنان، در آیات مختلف تصریح شده و آیاتی در برائت انبیا از مشرکان و اعلام بیزاری آن‌ها از شرک در سوره‌های متعدد آمده است.

در واقع مفهوم برائت چیزی فراتر از یک امر قلبی و عاطفی و یا ذکر قالبی است؛ بدین نحو که مستلزم کناره‌گیری، منزوی ساختن و طرد عمل مشرکان و توطئه‌گران است و همانگونه که مفسران گفته‌اند: به معنای رفع امان و سلب مصونیت و عدم تعهد در برابر مشرکان و حتی جنگ با آنان می‌باشد؛ بدین دلیل که آنان آغازگر توطئه بوده و نقض عهد کرده و مهلت و مدت پیمانشان به پایان رسیده است.

گرچه اعلام برائت از مشرکان، در امت‌های پیشین بوده ولی با ظهور اسلام و بعثت پیامبر، این امر در اسلام به اوج خود رسید؛ به طوری که اعلان عمومی «برائت از مشرکین» و احکام الحاقی آن، در تاریخ اسلام برای نخستین بار، پس از نقض عهد مشرکین با پیامبر اسلام مبنی بر عدم تهاجم و دشمنی صورت پذیرفت. در ابلاغ برائت از مشرکین، امام علی علیه السلام مأمور اعلان تبری از مشرکان شد تا به طور قاطع مرز توحید از شرک جدا شود و صفوف منسجم مسلمانان از صف کفار، متمایز گردد. از این رهگذر، چهره سیاسی عبادی حج جلوه نموده و زائران کعبه با استماع قطعنامه حکومت اسلامی، که دستور انزجار از شرک و سازش ناپذیری در برابر مشرکان است، پیام انسجام بخش الهی را دریافت کردند.

امام علی علیه السلام در بعد از ظهر دهم ذی‌حجه در منا، با شمشیر برهنه، به خطبه ایستاد و پس از تلاوت آیات نخست سوره برائت، چهار حکم الحاقی رسول خدا را ابلاغ کرد.^{۱۱}

از آنجا که نخستین اعلام برائت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مشرکان، در ایام حج انجام گرفت و از آنجا که سنت و سیره پیامبر جاوید است، لذا این سنت نبوی در ایام حج به اجرا در می‌آید. از سوی دیگر اعلام برائت از مشرکین مقطعی و موسمی نیست بلکه هر مسلمانی باید همواره در سراسر زندگی خویش از مشرکان برائت جوید و تنفر خویش را نسبت به آنان اظهار کند.^{۱۱}

بنابر شهادت متون تاریخی، امام حسین علیه السلام در مراسم حج سال ۵۸ ق. در سرزمین منا، با دعوت بیش از هزار نفر از پیروان خود، درباره رهبری حق و شیوه حکومت داری معاویه، بیاناتی را ایراد کرد و از آنان خواست تا سخنان او را به سایر افراد مورد اطمینان ابلاغ کنند. در این رخداد نیز نمونه دیگری از بهره برداری سیاسی (اظهار نفرت از رهبری شرک) در مراسم حج نمودار گشته است.^{۱۲}

منحصر بودن اجتماع به مسلمانان و منع از ورود کفار و مشرکین به مکان‌های مقدس، نشانه نگرش اسلام در این مناسک به حفظ روحیه استقلال طلبانه مسلمانان و رهایی از پیوندهای محکم با بیگانگان و پیروی از دشمنان اسلام است.^{۱۳}

همچنین برای اعلام براءت آنان، در موقعیت‌های گوناگون فضا سازی شده است؛ برای نمونه درباره قربانی، که از مناسک حج است و در سنت جاهلی سابقه‌ای طولانی داشته و با فرهنگ شرک آمیخته شده بود، خداوند به مسلمانان یادآوری می‌کند که گوشت و خون قربانی به خدا نمی‌رسد بلکه روح پارسایی این عمل که همان پرهیز از گناه و اجتناب از شرک و تهاجم بر مشرکان است، به خداوند خواهد رسید.^{۱۴}

خداوند کعبه را که خانه توحید است، محور دوری از کفر دانست و مقدمات متناسب با تحقق آن را اینگونه تمهید کرد:

- بعد از اتمام بنای کعبه، به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان داد: با اعلان عمومی، کسانی که توان حضور در این مراسم را دارند، فراخواند.

- وقتی جوامع و اقوام گوناگون از شمال و جنوب و از دور و نزدیک در گردهمایی سراسری شرکت کردند، نوبت اعلان پیامبر فرامی‌رسد. از این رو فرمود: «و در روز حج اکبر (عید قربان) از سوی خدا و پیامبرش به مردم ابلاغ می‌شود که خدا پیمان مشرکان را ملغی کرده و پیامبرش نیز چنین کرده است.»^{۱۵}

اعلان پیشین، زمینه‌ای شد برای اعلان دوم که هدف نهایی ساخت کعبه است. نیل به این هدف نهایی؛ یعنی رسیدن به توحید، در اعلان تبری خدا و رسول صلی الله علیه و آله از مشرکان متبلور شده است و تا انسان در روی زمین زندگی می‌کند وظیفه حج بر عهده اوست و تا مشرک در جهان هست، اعلام تبری از او نیز جزو مهم‌ترین وظایف حج است.

مفاد این آیه، تبلور بُعد سیاسی در حج و نمایشگر استقلال فرهنگی مسلمانان در آن است. به طوری که راهی جهت سلطه‌یابی کافران بر مسلمانان باقی نمی‌ماند. طرد نمودن کفر و

صاحبان قدرت‌های کفربنیان جز در پرتو حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست. برای مثال، اگر حضور سیاسی اسلام در سرزمین منان نبود، امکان اعلام برائت نیز وجود نداشت. همچنانکه قیام مردمی، مقاومت جهانی، استقامت گسترده و فراگیر که کعبه به خاطر آن بنیان نهاده شده، بدون برپایی حکومت اسلامی انجام‌پذیر نیست.

قیام برای نجات کعبه از دست کسانی که متعهد به فرهنگ توحیدی نیستند، آیینی ابراهیمی است و امروز انجام این وظیفه بر عهده جامعه بزرگ مسلمانان است. البته منظور، تنها شخص مشرک و بدن مادی او نیست، تا این تصور به وجود آید که در حجاز کنونی مشرکی نیست تا در موسم حج از او دوری گزیده شود، بلکه مراد از دوری گزیدن، اظهار انزجار از تفکر شرک‌آلود و تمدن ضد اسلامی است.^{۱۶}

این‌ها نمونه‌ای است از آثار و اسرار اجتماعی حج که برنامه دینی معمول و هر ساله در میان مسلمانان بوده است. این برنامه همه ساله تکرار می‌شود و آن اجتماع عظیم با شور و حرارتی زایدالوصف، تشکیل می‌یابد و انبوه جمعیت، از ملت‌های مختلف عالم، به هم می‌پیوندند، اما بی آنکه تفاهمی میانشان به وجود آید و با دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شوند و از آنچه در داخل کشورهای اسلامی می‌گذرد و از نقشه‌های خائنه که برای نابودی آن‌ها طرح می‌شود، آگاهی یابند، از هم جدا شده، هر کدام به دیار خود می‌روند. و حتی گاهی با سوء ظن و بدبینی با هم مواجه می‌گردند و صورت بی‌رویی از اعمال حج را انجام داده، پیام‌های حج را دریافت نمی‌کنند. آنچه به‌جا می‌ماند این است که آن سرمایه بزرگ فرهنگی و نیروی بالقوه سیاسی، بدون بهره‌برداری درست، از دست رفته و متلاشی می‌شود.

مسلمانان در موسم حج، در عین اجتماع، از هم فاصله دارند و در عین نزدیکی، از هم دورند. تلاش برخی از جوامع غیر اسلامی و گاه اسلامی در راستای آن است که مناسک حج، صرفاً با هدف و گرایش فردی انجام شود و حتی با ایجاد محدودیت‌های سیاسی می‌کوشند این تأثیر آن را کمرنگ کنند و به صورت اقدامی ظاهری و بی محتوا معرفی نمایند.^{۱۷}

در پیام سالیانه مقام معظم رهبری، به کنگره عظیم حج آمده است:

«حج در جوهر و ذات خود دارای دو عنصر اصلی است: تقرب به خدا در اندیشه و عمل، و اجتناب از طاغوت و شیطان با جسم و جان.. همه اعمال و تروک حج، برای این دو در جهت آن و تأمین ابزارها و مقدمات آن است... هر کس حج را از هویت سیاسی آن جدا کند، یا جاهل است و یا مغرض؛ و خداوند نخواهد گذشت از آنان که برای رسیدن به هدف‌های ناپاک و حقیر

خود، آماده‌اند که بزرگترین حربه امت اسلامی در برابر جهان کفر و استکبار را از او بگیرند و حج زندگی ساز و شورآفرین را، به عبادتی فردی و سطحی همراه با سیاحت و تجارت بدل کنند...»^{۱۸} علت این ضعف و انحطاط قدرت مسلمانان، با وجود داشتن آن برنامه‌های تربیتی جهت ارتقا و پیشرفت جهانی، واجد نبودن روح آن برنامه‌ها و عدم اجرای کامل شعائر تربیت کننده و متعاقباً عدم درونی سازی مناسب آموزه‌های سیاسی حج است.^{۱۹}

این وضعیت، آن چنان اسف انگیز است که دورنمای آن، چهارده قرن قبل، پیامبر ﷺ را متأثر ساخت؛ طوری که آن روز در مجمع عمومی مسلمین که در حضور ایشان به حج آمده و در مسجد الحرام مجتمع بودند، نگرانی خود را از آینده امت اسلامی ابراز نمود و رویدادهای ناگوار بسیاری را در باب حج به مردم گوشزد فرمود. بخشی از سخنان آن حضرت چنین است: «زمانی خواهد رسید که تمام حرکت‌ها و فعالیت‌ها بر محور دنیا می‌چرخد؛ تا آنجا که وظایف دینی و اعمال عبادی هم برای نیل به دنیا انجام می‌شود؛ به حدی که عالی‌ترین شعار الهی (حج خانه خدا) که بهترین وسیله ارشاد بشر به سوی معنویت و روحانیت و بدر کردن لباس دنیا دوستی از جان آدمی است، صورت دیگر به خود می‌گیرد و ثروتمندان امت، برای تفریح و تفریح به مکه می‌روند و قشر متوسط آنان برای خرید و فروش و تجارت و مستمندان برای کسب آوازه و شهرت.^{۲۰} با این وصف، تأثیر جریان حج در بیداری اسلامی، در رخ‌نمایی عظمت مسلمین در مقابل دیدگان سایر جوامع و ایجاد رعب و وحشت در دشمنان اسلام، نمود عینی دارد.

۴. نتیجه‌گیری

تمدن‌های گوناگون می‌توانند با واسطه قرار دادن عناصر فرهنگی؛ چون اصول اخلاقی یا ارزش‌های مشترک و یا نهاد دین، به تعامل با یکدیگر بپردازند. این که چه میزان تعامل و در سطحی تأثیرپذیری از دیگر تمدن‌ها محقق می‌شود، بستگی دارد به ظرفیت‌های موجود در عناصر بالا، به عنوان رابط بین فرهنگی.

اسلام با داشتن اجتماع عظیم سالیانه در یک نقطه از موقعیت زمانی و مکانی در جهان؛ مانند حج، از توان بالقوه عظیمی برخوردار است و از این طریق می‌تواند به توانمندسازی و تربیت پیروان فرهنگ توحیدی از اقصا نقاط جهان پردازد و ارزش‌های بزرگ و مورد وفاق مسلمانان را گسترش دهد. یکی از فواید عناصر و آموزه‌های توسعه‌دهنده توانایی‌های

فردی و اجتماعی در حج، ایجاد انسجام و وحدت در میان مسلمانان است که از حیث ابعاد سیاسی آن، از دو بخش تشکیل شده است؛ «ایجاد امت واحده با نفی امتیازات و انحصارات» و «اجتناب از اندیشه و کنش برخاسته از فرهنگ‌های غیر توحیدی».

اما متأسفانه برخی از جوامع اسلامی متأثر از جوامع غیر مسلمان، جهت حفظ حاکمیت استبدادی و غیر متکی به پشتوانه مردمی خود، به ساماندهی مناسک حج همسو با منافع خود اقدام می‌کنند. بدیهی است تأثیر و نتیجه این گونه مدیریت در حج، کاهش پذیرش عناصر تربیت‌ساز حج است.

آری، راهکار نیل به اهداف و دستیابی به کارکردهای مورد انتظار مناسک حج، فراهم ساختن بسترهای انجام دستورات الهی با آگاه‌سازی حاجیان نسبت به پیش فرض‌ها، دلایل و پیامدهای مناسک حج است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمدی اشتهاردی، محمد، عبادت و سیاست تار و پود حج، فصلنامه قیسات، شماره ۲۱
۲. خامنه‌ای، سید محمد، حج از نگاه حقوق بین الملل، ص ۱۱۵
۳. گروهی از همکاران، حج با سیاست چه مناسبتی دارد؟، ماهنامه زائر، شماره ۱
۴. جمعی از نویسندگان، ره توشه حج، ج ۲، ص ۲۱۱
۵. همان، ص ۲۴۱
۶. جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، ص ۱۷۲
۷. مؤذن، محمد هادی، حج تمرین رفتار با امام است، ماهنامه صفا، شماره ۱
۸. جمعی از نویسندگان، ره توشه حج، ج ۱، ص ۸۵
۹. جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، ص ۲۰۱
۱۰. سبحانی، جعفر، فزاهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۸۸
۱۱. اسماعیل آبادی، علی‌رضا، برائت از مشرکین از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه میقات، شماره ۳۰
۱۲. شریفی، محمود و همکاران، فرهنگ جامع سخنان امام حسین (علیه السلام)، ص ۳۱۰
۱۳. جمعی از نویسندگان، ره توشه، ج ۱، ص ۶۲
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، ص ۱۳۹
۱۵. توبه: ۳

۱۶. جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، ص ۲۹۴

۱۷. گرجیان، مصطفی، محشر در مشعر، فصلنامه میقات حج، شماره ۱۷

۱۸. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام (۱۳۷۴)

۱۹. ضیاء آبادی، سید محمد، حج برنامه تکامل، ص ۱۳۳

۲۰. ضیاء آبادی، سید محمد، حج برنامه تکامل، ص ۶۷

منابع

۱. اسماعیل آبادی، علیرضا (۱۳۷۸)، برانت از مشرکین از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه میقات حج، تهران: سازمان حج و امور اوقاف، شماره ۳۰.
۲. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام (۱۳۷۴)، حج از دیدگاه مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸) ره توشه حج، جلد اول و دوم، تهران: نشر مشعر.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، صهبای حج، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. خامنه ای، سید محمد (۱۳۷۱)، حج از نگاه حقوق بین الملل، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۶. سبحانی، جعفر (۱۳۸۱)، فراهائی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران: نشر مشعر.
۷. شریفی، محمود و همکاران (۱۳۷۸)، فرهنگ جامع سخنان امام حسین ۷، مترجم: علی مؤیدی، قم: نشر معروف.
۸. ضیاء آبادی، سید محمد (۱۳۸۴)، حج برنامه تکامل، تهران: نشر مشعر.
۹. گرجیان، مصطفی (۱۳۸۷)، محشر در مشعر، فصلنامه میقات حج، تهران: سازمان حج و امور اوقاف، شماره ۱۷.
۱۰. گروهی از همکاران، (۱۳۸۶)، حج با سیاست چه مناسبتی دارد؟، ماهنامه زائر، تهران: بعثه مقام معظم رهبری در حج.
۱۱. متولیان، محمدعلی (۱۳۸۱)، نقش دانشجویان مسلمان در گفتگوهای فراملی، تهران: دفتر نشر معارف.
۱۲. محمدی اشتهاوردی، محمد (۱۳۸۴)، عبادت و سیاست تار و پود حج، فصلنامه قیسات، شماره ۲۱
۱۳. مؤذن، محمد هادی (۱۳۸۸)، حج تمرین رفتار با امام است، ماهنامه صفا، تهران: بعثه مقام معظم رهبری در حج.